

از

**Difference**

تا

**Differance**

سیر تکوین ساختمان زدایانه‌ی مفاهیم دریدا

مؤلف:

دکتر مهدی خبازی کناری

(عضو هیات علمی دانشگاه مازندران)

|                     |   |                                                                |
|---------------------|---|----------------------------------------------------------------|
| سرنشانه             | : | خجازی کناری، مهدی، ۱۳۵۱ -                                      |
| عنوان و نام پدیدآور | : | از difference تا Differance: سیر تکوین ساختار زدایانه ی مفاهیم |
| مشخصات نشر          | : | دریدا/ مولف مهدی خجازی کناری.                                  |
| مشخصات ظاهری        | : | تهران: حکایت قلم نوین، ۱۳۹۴.                                   |
| شابک                | : | ۳۲۴ ص: ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.                                          |
| وضعیت فهرست نویسی   | : | ۹-۱۵-۸۰۸۱-۶۰۰-۹۷۸                                              |
| موضوع               | : | فیفا                                                           |
| موضوع               | : | دریدا، ژاک، ۱۹۳۰ - ۲۰۰۴ م. -- نقد و تفسیر                      |
| موضوع               | : | ناهمسانی (فلسفه)                                               |
| موضوع               | : | دیفرنس (واژه)                                                  |
| رصد بندگی سره       | : | شالوده شکنی                                                    |
| رصد بندگی دیوار     | : | ۱۳۹۴ ۲۴۰B / ۱۳۳۰                                               |
| شماره کتابخانه      | : | ۱۹۴                                                            |
|                     | : | ۴۱۱۰۲۲۷                                                        |



حکایت قلم نوین

از difference تا Differance

سیر تکوین ساختارزدایانه ی مفاهیم دریدا

مولف: دکتر مهدی خجازی کناری

چاپ اول: ۱۳۹۴

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: ندا

شابک: ۹-۱۵-۸۰۸۱-۶۰۰-۹۷۸

## فهرست مطالب

|    |                                              |
|----|----------------------------------------------|
| ۱۱ | پیش‌گفتار .....                              |
| ۱۲ | چرا Difference ؟ .....                       |
| ۱۳ | روش مواجهه‌ی با Difference در این کتاب ..... |

## فصل اول: ساختارزدایی

|    |                                                |
|----|------------------------------------------------|
| ۲۱ | ریدا و ساختار .....                            |
| ۲۱ | ماهیت و قلمرو سنت در ساختارزدایی .....         |
| ۲۳ | مرز میان ملیت و نمک .....                      |
| ۲۵ | Construction و ترجمه‌های فارسی آن .....        |
| ۳۰ | آیا می‌توانیم بپرسیم 'ساختار دایو چیست؟' ..... |
| ۳۴ | ساختارزدایی: ویروسی در متن .....               |
| ۳۵ | ساختارزدایی: خوانشی کانون‌زده .....            |
| ۳۶ | تفاوت متن و سند .....                          |
| ۳۸ | صورتبندی مسأله‌ی پژوهش .....                   |
| ۴۸ | آیا می‌شود Difference را ترجمه کرد؟ .....      |
| ۵۳ | جمع‌بندی فصل .....                             |

## فصل دوم: difference: خاستگاه مادی Difference

|    |                                               |
|----|-----------------------------------------------|
| ۶۱ | نشانه و وجه تفاوتی آن در اندیشه‌ی سوسور ..... |
| ۶۹ | رد مفاهیم سوسور در مفاهیم ریدا .....          |
| ۷۳ | نسبت Difference و difference .....            |

|    |                                     |
|----|-------------------------------------|
| ۷۵ | ..... مادیت یک واژه                 |
| ۷۷ | ..... حرف "a" به مثابه پادشاه حروف  |
| ۷۸ | ..... حرف "a" در Difference         |
| ۸۲ | ..... مادیت deference در Difference |
| ۸۳ | ..... جمع‌بندی فصل                  |

### فصل سوم: defer: خاستگاه روحی Difference

|     |                                        |
|-----|----------------------------------------|
| ۹۰  | ..... پوچه و تعلیق در اندیشه‌ی هوسرل   |
| ۹۹  | ..... defer روح Difference             |
| ۱۰۰ | ..... آمد و شد "و" و "در" (nce) differ |
| ۱۰۵ | ..... تعلیق منظوری در Difference       |
| ۱۰۶ | ..... جمع‌بندی فصل                     |

### فصل چهارم: رویکرد طبیعی مسلط: difference به مثابه گفتار

|     |                                               |
|-----|-----------------------------------------------|
| ۱۱۱ | ..... نوشتار: تاریخ یک سرکوب                  |
| ۱۱۱ | ..... سوسور: نوشتار به مثابه غاصب             |
| ۱۲۰ | ..... افلاطون: نوشتار به مثابه خواهری زشت     |
| ۱۳۰ | ..... روسو: نوشتار به مثابه ضمیمه             |
| ۱۳۷ | ..... لوی استراوس: نوشتار به مثابه ابزار سلطه |
| ۱۴۲ | ..... جمع‌بندی فصل                            |

### فصل پنجم: رویکرد طبیعی مسلط: difference به مثابه حضور

|     |                                         |
|-----|-----------------------------------------|
| ۱۴۹ | ..... حضور به مثابه بنیاد متافیزیک غربی |
| ۱۵۰ | ..... حضور جسمانی و غیر جسمانی          |
| ۱۵۱ | ..... حضور جسمانی                       |

|          |                 |
|----------|-----------------|
| ۱۵۶..... | حضور غیر جسمانی |
| ۱۶۱..... | جمع بندی فصل    |

### فصل ششم: آغاز رویکرد فلسفی: استیلاي Difference به مثابه نوشتار

|          |                                                                |
|----------|----------------------------------------------------------------|
| ۱۶۷..... | نوشتار خوب و نوشتار بد                                         |
| ۱۷۰..... | گراماتولوژی: نوشتار و شرط امکان علمیت علم                      |
| ۱۷۴..... | نوشتار به مثابه‌ی خاستگاه                                      |
| ۱۷۸..... | نوشتار، ضمیمه‌ای ضروری                                         |
| ۱۸۴..... | استعاره‌مندی نوشتار                                            |
| ۱۹۰..... | نوشتار در زمان لوگوس                                           |
| ۱۹۱..... | شیاستی‌گرایی: لوژی دریدا و پدیده‌شناسی اگزیستانسیالیستی هایدگر |
| ۱۹۶..... | دازاین به مثابه هستی مکان‌مند                                  |
| ۲۰۱..... | "نقد" دریدا به گفتار محض هایدگر                                |
| ۲۰۵..... | دازاین و نوشتار: "آن-ا"ی خداینه‌ی هستی و زبان                  |
| ۲۰۷..... | آینشتاین: پیوستار مکان-زمان در فیزیک                           |
| ۲۰۷..... | هایدگر: پیوستار مکان-زمان در فلسفه                             |
| ۲۰۸..... | بختین: پیوستار مکان-زمان در ادبیات                             |
| ۲۱۰..... | دریدا: پیوستار مکان-زمان در نوشتار                             |
| ۲۱۷..... | جمع بندی فصل                                                   |

### فصل هفتم: رویکرد فلسفی: Difference به مثابه رد

|          |                                                       |
|----------|-------------------------------------------------------|
| ۲۲۹..... | پایان سلطه‌ی نوشتار                                   |
| ۲۳۴..... | رد                                                    |
| ۲۳۵..... | رد به مثابه‌ی چهره                                    |
| ۲۳۶..... | رد: شرط امکان تحقق تعینات زمانی، مکانی، نشانه و ابزار |

|          |                                          |
|----------|------------------------------------------|
| ۲۳۷..... | امر "پیش - همزمان" هوسرل، تعیین زمانی رد |
| ۲۴۷..... | "Khora" افلاطون، تعیین مکانی رد          |
| ۲۵۲..... | "بازی" سوسور، تعیین زبانی رد             |
| ۲۵۴..... | رد، ساختار صوری تحقق نشانه               |
| ۲۶۹..... | جمع بندی فصل                             |
| ۲۷۵..... | جمع بندی کل                              |
| ۲۸۷..... | مابع و مآخذ                              |

## پیش‌گفتار

ژاک دریدا در سال (۱۹۳۰) میلادی در خانواده‌ای فرانسوی- پرتغالی و یهودی در الجزایر- که در آن زمان مستعمره‌ی فرانسه بود - به دنیا آمد. وی در الجزایر آموزش و تحصیلات اولیه‌ی در رشته‌ی ادبیات را به اتمام رساند. پس از اتمام دوره‌های ابتدایی و متوسطه در سال (۱۹۴۸) میلادی برای خدمت نظام به پاریس رفت و در آن جا ماندگار شد و آغاز به آموختن فلسفه کرد. او در کول ژرمال تحت نظر ژان هیپولیت، به پژوهش‌های فلسفی‌اش عمق و وسعت بیشتری داد. به تدریج آثار متعدد او مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت. این اثر زنده‌ای از راهم کرد که در سال (۱۹۵۶) میلادی دانشگاه هاروارد به او بورس تحصیلی اعطا کند. دریدا به مدت زیادی در دانشگاه‌های ییل و جان هاپکینز آمریکا به تدریس فلسفه پرداخت و در نهایت در سال (۲۰۰۴) میلادی در بیمارستانی در پاریس این دنیا را رفت.<sup>۱</sup>

در زندگی دریدا چیزی که بیشتر از همه مشهود است، تنوع قابل ملاحظه‌ی فرهنگی و زبانی است. او کسی که به باور برخی بر پیچیدگی آثار او افزوده است. این پیچیدگی‌ها و رشته‌های متن فرهنگی، به مثابه سایه‌هایی همواره آثار او را همراهی می‌کنند. او یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان در نیمه‌ی دوم قرن بیستم بود که خوانش و روایی نوآیندیشه‌های فیلسوفان، زبان‌شناسان و ادیبان ارائه داد. آثار او آمد و شدی دائمی و سالتیکی میان متون و مفاهیم مختلف است. وی بخش اعظمی از فیلسوفان و آثار تاریخ فلسفه را مورد بازخوانی قرار داده است، به گونه‌ای که شاید بتوان ترتیب بخشیدن به آثار او تاریخ فلسفه‌ای متفاوت را تدوین کرد. پاره‌ای دشواری‌ها همواره در مسیر مطالعه‌ی آثار دریدا وجود دارد. او زبانی پیچیده، چندلایه و گاهی گنگ و نامأنوس دارد. ارجاعات بی‌اندازه زیاد او به متون دیگر، خواننده

را به خواندن آن متون نیز دعوت می‌کند. مدام سخن از دیگران و نوشته‌ها و آثارشان است. دریدا از پس کلمات دیگران با ما سخن می‌گوید، به گونه‌ای که همزمان او را در مقابل و در درون آن‌ها حس می‌کنیم. مرزهایی میان تعلق به آن‌ها و تعلیق‌شان شکل می‌گیرد و محو می‌گردد. دشواری کار بیشتر زمانی آغاز می‌شود که بخواهیم در مورد او و اندیشه‌هایش بنویسیم. نوشتن درباره‌ی کسی که همواره در میان متون دیگران می‌نویسد، نوشتن درباره‌ی دیگران را نیز دشواری خواهد داشت. این مسائل به طرح این پرسش منجر خواهد شد که چه ساختار برای ورود به اندیشه‌های او مناسب است؟ آیا بایستی مثل یک متن تحلیلیم، رسوم فلسفی اندیشه‌هایش را توصیف کنیم و با معیار قراردادن مفاهیم نظری از سطوح در پی سازگاری‌ها و ناسازگاری‌های مفهومی سخنانش باشیم؟ یا به طریقه‌ی او، آثارش را به مثابه یک متن با روش‌هایی غیرقابل پیش‌بینی و همواره در حال تغییر و آمد و شدی دائمی میان زبان‌شناسی، ادبیات و فلسفه مورد خوانش قرار دهیم و در خلال کلماتش، کلماتی دیگر با دلالت‌هایی دیگر را بنویسیم؟

### چرا Differance ؟

برای ورود به آثار و اندیشه‌ی دریدا "مفاهیم" (مفهوم) "گویی"، چرا که دریدا معتقد است که مفهوم بنیاداش در متافیزیک حضور قرار دارد، زیادی را می‌توان نقطه‌ی عزیمت خود قرار داد. "مفاهیم" دریدا، اگر بخواهیم با آن‌ها سوسور سخن بگوییم، در نسبتی تفاوتی با یکدیگر قرار دارند. هیچ یک از "مفاهیم" دریدا بر یکدیگر اولویت و تقدم ندارند. بسته به اهداف در نظر گرفته شده می‌توان از هر "مفهومی" شروع کرد و "مفاهیم" دیگر را در نسبت با آن مورد ارزیابی قرار داد.

این امر با خود اندیشه‌ی دریدا نیز همخوانی دارد که متون و ساختارها نمی‌توانند حول یک کانون صلب و ایستا شکل بگیرند، چنان که حتی یکی از اهداف ساختارزدایی نیز، کانون زدایی از متون و ساختارهاست. در این کتاب، برای ورود به آثار دریدا، "مفهوم" *Differance* انتخاب شده است و دیگر "مفاهیم" او در نسبت با این "مفهوم" مورد بحث قرار می‌گیرند و در همان حین مانع می‌شوند که *Differance* بسان یک کانون خود را استقرار بخشد. بنابراین، در سراسر این کتاب و در فصل‌های مختلف شاید به نظر آید که *Differance* بر آن است خود را به مثابه‌ی "مفاهیمی" نظیر *difference*، زیست‌وار و ... تقلیل دهد؛ اما بلافاصله ملاحظه خواهیم کرد که جایگاه کانون پیش خود را با درآمدن به هیأت "مفهومی" تازه به تعلیق در می‌آورد.

### روش مواجهه‌ی با *Differance* در این کتاب

روش من در این کتاب در باب *Differance*، روش ساختارزدایی است. بنابراین ضروری است که در فصل اول پیش از ارائه‌ی صورتبندی مسأله‌ی پژوهش، خود ساختارزدایی مورد بحث قرار گیرد. من برآن نیستم که به توصیف بی‌طرفانه‌ی (اگر چنین چیزی را حساب ممکن باشد) *Differance* در اندیشه و آثار دریدا بسنده کنم؛ بلکه ساختارزدایانه با *Differance* مواجه می‌شوم. به عبارت دیگر "روش" ساختارزدایی در این کتاب، برای دودن تعینات و صلب و ایستا شدن مفاهیم وی به ویژه "مفهوم" *Differance* به کار می‌گیرم. در تحقق این مسأله، یعنی مواجهه‌ی ساختارزدایانه با *Differance*، من همواره در طول فصل‌های گوناگون به دو جنبه‌ی مرتبط با هم نظر داشته‌ام: الف) چگونه *Differance* به‌طور ساختارزدایانه از درون خود سنت تکوین پیدا می‌کند؟ این امر چیزی نیست که در آثار دریدا به وضوح تصریح شده

باشد، چه بسا در جاهایی Difference به تمامی در مقابل سنت قرار می‌گیرد. یکی از دغدغه‌های اصلی این کتاب نشان دادن ریشه‌های عمیق و گسترده‌ی Difference در مفاهیم کانونی سنت‌های فکری در حوزه‌های گوناگونی نظیر فلسفه و زبان‌شناسی است. بایستی توجه داشت Difference تحقیقی از خود سنت است که امکان‌های تازه‌ای را در خود می‌یابد و می‌پروراند. درون ماهی سنت به همراه روش‌ها و صورت‌های تحقق آن در تکوین، استقرار و تحقق Difference نقش ایفا می‌کنند. برای نمونه، در فصل‌های دوم و سوم این کتاب، ما می‌بینیم که همزمان با تکوین Difference در ساحت مفاهیم درون ماهی‌های ساختارگرایی و پدیده‌شناسی، روش‌های ساختارگرایی و پدیده‌شناسی نیز در این جهت عمل می‌کنند. در فصل دوم، عناصر روش ساختارگرایی از جهت روابط جانمایی و هم‌نشینی و تقابل‌های دوگانه در شکل‌دهی مادیت Difference شریک می‌کنند و در فصل سوم، عناصر روش پدیده‌شناسی از جمله: به تعلیق درآوردن، و درون پراتز قرار دادن، روح و نحوه‌ی عملکرد Difference را قوام می‌بخشند (ب) اما همزمان با تکوین ساختارزدایانه‌ی Difference در درون سنت، Difference ساختارزدایانه به باز تولید خود سنت می‌پردازد. به عبارت دقیق‌تر Difference ساحتی از سنت است که پس از شکل‌گیری، خاستگاه تکوین خود را در کتاب ساحتی تازه بازآفرینی می‌کند. برای این کار Difference از درون ماهی‌ها، روش‌های منظوری در سنت نیز بهره می‌برد. به بیان دقیق‌تر، Difference در مواجهه با سنت به مثابه ساحت پیشین حیات خود، هم از درون مایه‌ها و هم از روش‌های صوری سنت، نظیر: سنت ساختارگرایی و پدیده‌شناسی، استفاده می‌کند. این دو جنبه‌ی حیات Difference (اشاره شده در بند الف و ب) همواره در قالب دو فعل "تکوین" و "تعلیق" به‌طور توأمان تحقق می‌یابند، بدون این که در یک

نقطه‌ی معینی خاتمه پذیرند. در فصل‌های گوناگون، این نحوه‌ی تحقق Difference ملاحظه خواهد شد.

در خوانش از "مفهوم" Difference در این کتاب تلاش می‌شود نحوه‌ی تحقق افعال "تکوین" و "تعلیق" منطقی در Difference همچون بافت‌هایی به هم تنیده به صورت پدیده‌شناسانه توصیف شود. این بافت‌های به هم تنیده در قالب فصل‌هایی که به‌طور ویژه‌ای ترتیب یافته‌اند نشان داده خواهد شد. از این جهت فصل‌ها یکی پس از دیگری ساختارزدایانه از درون یکدیگر شکل خواهند گرفت. در این جا ضروری است به این نکته اشاره کنم که من واقف هستم که آشکارای بسیاری از مفاهیم و روش‌های متافیزیک حضور مثل: تقابل ای در خانه نظیر مادی/ روحی، رویکردهای طبیعی/ فلسفی، مکان/ زمان و مفاهیمی نظیر این‌ها در خوانش خود از Difference بهره گرفته‌ام. در این رابطه به چند مسأله توجه داشته‌ام: (۱) Difference از درون سنت شکل می‌گیرد و همان‌طور که در بالا اشاره می‌کند، با همان زبان متافیزیکی سخن می‌گوید، با این توجه که لحاظ صراحت و طریقه‌ی نوشتن Difference در بکارگیری زبان متافیزیک منحصر به خود او نیست. (۲) این مفاهیم و روش‌های متافیزیکی و زبان‌شناختی بدون لحاظ کردن ریشه‌ی ایستا و یقینی‌شان به کار گرفته می‌شوند چنان‌که تنها صورتی تهی از آن‌ها که بابلیت انعطاف و انکسار دارند به ساختارزدایی منضم خواهد شد. (۳) درست است که ساختارزدایی ساحاتی از فلسفه را به پرسش می‌گیرد؛ اما با این حال، به نظر من امکان‌های تازه‌ای را از فلسفیدن نشان می‌دهد. بدون گفتگو با گفتمان‌های فلسفی و البته حوزه‌هایی نظیر: زبان‌شناسی، روان‌شناسی، و ... ساختارزدایی و Difference به "اندیشه" در نخواهند آمد. در این کتاب من بر آنم تا لایه‌های زیرین و پنهان چهره‌ی Difference را آشکار کنم، که نسبتی عمیق با گذشته‌ی خود دارد.

شایسته است در این جا فرآیند طی شده از فصل اول تا فصل آخر را به نحوی بسیار اجمالی از نظر بگذرانم تا دیدگاهی کلی از مسیر پیش رو حاصل آید.

در فصل اول، به خود رویکرد ساختارزدایی پرداخته خواهد شد. رویکردی که به طور خاص در مقابل رویکرد ساختارگرایی شکل گرفت و سپس به طور تمام به زدودن حصار سلطه ی هر ساختار و کانونی پرداخت که قصد استیلا داشت. ساختارزدایی امری بیرون از سنت نیست؛ بلکه آن با پرسش گرفتن مقابل بیرون بیرون خود را منظوری در دل سنت می داند. از جمله ی ستهایی که در تئوین مفهوم Difference نقش داشتند زبان شناسی ساختارگرایی سوسور و پدیدارشناسی هوسرل است. در فصل های دوم و سوم نسبت دریدا با سوسور و هوسرل به تحلیل تشریح خواهد شد. از جمله این که خاستگاه مادی Difference مفهوم difference سوسور و خاستگاه روحی آن defer به معنای اپوخره هوسرلی است. با این تفاوت Difference به مثابه ی یک عملکرد پدیده شناسختی - ساختار زدایانه درآمد است که سنت مسلط را به مثابه رویکرد طبیعی مورد بررسی قرار می دهد و نقاط به انقیاد آورنده ی آن نظیر: گفتار، حضور .... در مفاهیم دوگانه ذیل مفهوم difference را کانون زدایی می کند. در فصل های چهارم و پنجم نحوه استیلای مفاهیم گفتار و حضور مورد کنکاش قرار خواهد گرفت. با به تعلیق درآوردن احکام مسلط در رویکرد های طبیعی، وجه ایجابی Difference به استقرار مفهوم تازه ای می پردازد. در فصل های ششم و هفتم در دو مرحله این عمل انجام می گیرد. در فصل ششم Difference به مثابه نوشتار به نمایندگی از تمامی طرف های به انقیاد درآمده، نظیر: میتوس، استعاره، قوای حسی، زن و .... در مفاهیم دوگانه با به فعلیت رساندن امکان های بالقوه ی خود بر گفتار استیلا می یابد. اما این نهایت کار

نیست؛ چرا که هدف نهایی جنبش Difference خلع سلطه‌ی یک طرف و به قدرت رساندن طرف دیگر نیست. در فصل هفتم Difference به مثابه مفهوم رد خود را آشکار می‌کند. در این مرحله تمامی ثنویت‌ها در یک بازی میان حضور و غیاب تجمیع می‌یابند.

آثار و مفاهیم دریدا در زبان‌های مختلف به ویژه در فرانسه و انگلیسی مورد پژوهش‌های بسیار در حوزه‌های گوناگون قرار گرفته به گونه‌ای که ده‌ها کتاب و پایان‌نامه و مقاله در این جهت نوشته شده است. در زبان فارسی آثار معدودی از او یا درباره‌ی او موجود است. جبران کمبود آثاری در این زمینه تلاش ضاعبی را می‌طلبید. امیدوارم این تحقیق نیز، برای روشن‌تر شدن اندیشه‌های دریدا نقشی حتی اندک، ایفا کند.

#### ارجاعات

۱- کتاب زیر زندگی فلسف دریدا را با توجه به آثار و اندیشه هایش به تفصیل شرح کرده است.

- Powell, Jason. (2006). **Jacques Derrida, A Biography.** London and New York: Continuum.

۲- البته بایستی توجه داشت که عنوان "روشن‌سازی ساختارزدایی با نگرش دریدا به ساختارزدایی همخوانی کامل ندارد. در اینجا و در کل کتاب مراد من از روش، در توصیف ساختارزدایی از Difference، روشی فلسفی، یعنی و محاسب نیست؛ بلکه به معنای جنبشی است عام، که در ساحت تحقق، صورت‌های گوناگون به خود می‌گیرد. البته برخی تفسیرهای آمریکایی اندیشه‌های دریدا در نقد ادبی ساختارزدایی را همچون یک روش بکار گرفته‌اند، که این امر دریدا را نیز به واکنش در مقابل آن‌ها وادار کرده بود.